

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرح و تفسیر منطق الطیر شیخ فرید الدین عطار نیشابوری

(جلد اول)

پیش‌گفتار

فریدالدین عطار نیشابوری یکی از معروف‌ترین چهره‌های درخشان ادب فارسی و در عین حال، یکی از ناشناخته‌ترین چهره‌های عرفان اسلامی است. آن‌چه درباره او گفته و نوشته‌اند، هیچ‌گاه بیانگر شخصیت معنوی و جایگاه عرفانی والای او نبوده است و اکثراً از فهم ارزش عرفانی آثار او غافل بوده‌اند و از این رو به‌خطا و بنا بر بعضی دلایل ظاهری و ضعیف و پیش پا افتاده، سعی کرده‌اند آثار بزرگی هم‌چون کتاب *جوهرالذات* را جزء آثار او به‌شمار نیاورند. خوشبختانه این قضاوت سطحی و ناآگاهانه دامن‌گیر اثر ارزشمندی هم‌چون *منطق‌الطیر* نشده است.

منطق‌الطیر راهنمای سالک به سوی معارف الهی است اما ژرفای معارف مطرح‌شده در این کتاب جز برای سالکین راه رفته و عارفان قابل فهم نیست. کتاب ارجمند *منطق‌الطیر* یکی از آثار گران‌سنگ شیخ عطار است که نقشه راه سلوک را به سالک نشان می‌دهد و از دشواری‌ها و موانع سخت این راه و از مراحل سلوک باید از آن عبور کند سخن می‌گوید. برخی ممکن است گمان کنند که وادی‌های سلوک مطرح‌شده در این کتاب شکل دیگری از همان مقامات سلوک است، حال آن‌که چنین نیست؛ زیرا مقامات سلوک صفاتی است که در طی مراحل سلوک برای سالک حاصل می‌شود، مثل صبر و توکل و رضا. اما وادی‌های سلوک، بیان‌کننده منازل و مراحل سلوک است.

در کتاب *منطق‌الطیر* احوال عاشقانه شیخ عطار به‌ندرت قابل مشاهده است و این احوال را بیشتر در دیوان او و کتاب‌هایی مانند *جوهرالذات* می‌توان جست‌جو کرد. در مقدمه این کتاب شیخ عطار از توحید در معنای خاص‌الخاص آن سخن به‌میان آورده است. او یادآور می‌شود که حق متعال حقیقتی است فراتر از ادراک، معرفت و توصیف آدمی، که این همان مضمون «الله اکبر» است. در زمینه نبوت، سخن شیخ پیرامون عظمت مقام پیامبر اسلام (ص) قابل ستایش است؛ اما در حوزه ولایت، که حوزه معرفت به خداوند از طریق معرفت به ولیّ مطلق الهی است، شیخ عطار با محذورات فراوانی روبه‌رو است. از یک‌سو قصور فهم مخاطبان از درک حقیقت ولایت باطنی، و از سوی دیگر اختلاف مبنایی شیعه و سنی در شناخت خلیفه و جانشین حقیقی پیامبر (ص) در ظاهر و باطن، مشکل اصلی شیخ در ورود به این مبحث می‌باشد. در این‌جا است که او ناچار به تقیّه می‌شود، زیرا قدرت و حاکمیت در دست اهل سنت است و اکثریت جامعه سنی مذهب‌اند. او که در کتاب *مصیبت‌نامه* اش در منقبت امام حسین (ع) آن حضرت (ع) را سلطان ده معصوم معرفی می‌کند که افلاک نه‌گانه نیز خادم او هستند و سپس لعن و نفرین می‌کند کسانی را که او را به شهادت رسانده‌اند و در پایان آرزو

می‌کند که سگ غلام او یا کم‌ترین سگ درگاه او باشد. در منطق‌الطیر و در مقدمه آثار خویش جز تقیه چه می‌توانسته انجام دهد؟

بنابراین شیخ در مقدمه این کتاب و بقیه آثار خود پس از توحید و نبوت از ورود به مبحث ولایت خودداری می‌کند و بیان آن را به لابه‌لای آثار خود وا می‌نهد و تنها به تعریف و تمجید از خلفا و نکوهش تعصب اکتفا می‌کند و ما نیز از پرداختن به آن، جز در آن جا که به مدح مولا علی(ع) پرداخته است، صرف‌نظر کرده‌ایم.

شرح وادی طلب در این کتاب نشان می‌دهد که تا چه اندازه سلوک این راه صعب‌ناک است و عذر مرغان برای رهایی از طی وادی‌های سلوک، تماماً حاکی از موانع نفسانی بی‌شمار آدمی برای رسیدن به حقیقت است.

در پایان راه سلوک، سی مرغ وقتی به سیمرغ رسیدند، درمی‌یابند که سیمرغ عالی‌مقام در درون خود آن‌ها، و بلکه در درون تمام ذرات عالم حضور دارد و آنان تا کنون از او بی‌خبر بوده‌اند.

درواقع داستان تلاش مرغان برای رسیدن به سیمرغ تمثیل بندگی حق، با راهنمایی انبیاء و اولیاء، به حقیقتی است که در درون خود ما پنهان است؛ ﴿هو معکم اینما کنتم﴾.

با سپاس از همه عزیزانی که در آماده‌سازی این اثر ناچیز، بنده را یاری کردند. به‌ویژه خانم دکتر نجم‌السادات موسوی، آقای مهندس رسول قمرزاد و آقای مازیار رمّادان.

امید است که مورد عنایت مولا(ع) و مقبول اهل دل افتد.

رمضان ۱۳۴۱

اردیبهشت ۱۳۹۹

حسین لاشی

